

بازنگری

در خانه

عبده

بازنگری

باوان BAVAN

Curator

Takin Aghdashloo

کیوریٲور
تکین آغداشلو

Artists

Bahador Adab
Takin Aghdashloo
Soodeh Bagheri-Tirtash
Mehrnnoosh Bagheri Doost
Rana Dehghan
Armita Ghasabi
Amirali Izadi
Soheil Rad
Kasra Rafiei
Ashkan Sadeghi
Roham Shamekh
Amirhossein Torkzadeh
Hoda Zarbaf
38

هنرمندان
بهادر ادب
تکین آغداشلو
امیرعلی ایزدی
سوده باقری تیرتاش
مهرنوش باقری دوست
امیرحسین ترکزاده
رعنا دهقان
سهیل راد
کسرا رفیعی
هدا زرباف
سی و ۸
رهام شامخ
اشکان صادقی
آرمیتا قصابی

Founder and CEO, Bavan

Ava Ayoubi

موسس و مدیر مسئول، باوان
آوا ایوبی

Founder, Bavan

Armin Ayoubi

موسس، باوان
آرمین ایوبی

Administration Director, Bavan

Nazanin Khashei

مدیر اجرایی، باوان
نازنین خاشعی

Art Direction, Edit and Design

Takin Aghdashloo

مدیر هنری، ویرایش و طراحی
تکین آغداشلو

Video

Behzad Shahravan

ویدیو
بهزاد شهروان

Photography

Hamed Daei

عکس
حامد دایی

Logistic

Kourosh Ariabod

لجستیک
کورووش آریابد

Special thanks to

Carolyn Tso, Golnaz Athari, Reza Doroudian,
Alireza Delazar, Hooman Mortazavi, Saba Yazdjerdi,
Ehsan Elahi, Esmaeil Hamedani and Barzin Baharlouei

تشکر ویژه از
کارولین تسو، گلناز اطهراری، رضا درودیان، هومن مرتضوی،
علیرضا دل آذر، صبا یزدجردی، احسان الهی،
اسماعیل همدانی و برزین بهارلویی

خانه

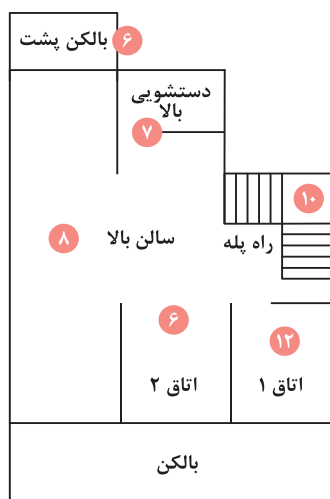
تهران، خیابان مطهری، خیابان لارستان، خیابان عبده، پلاک ۷

The House

#7 Abdeh St, Larestan St, Motahari St. Tehran, Iran



طبقه اول



طبقه دوم

- ۱ بهادر ادب
- ۲ تکین آغداشلو
- ۳ امیرعلی ایزدی
- ۴ سوده باقری تیرناش
- ۵ مهرانوش باقری دوست
- ۶ امیرحسین ترکزاده
- ۷ رعنا دهقان
- ۸ سهیل راد
- ۹ کسرا رفیعی
- ۱۰ هدا زرباف
- ۱۱ سی و ۸
- ۱۲ رهام شامخ
- ۱۳ اشکان صادقی
- ۱۴ آرمیتا قصابی

بازنگری در خانه خیابان عبده

«بازنگری در خانه خیابان عبده» نمایشگاهی از آثار چیدمان و نقاشی دیواری مکان-ویژه ۱۴ هنرمند است که در بنایی مسکونی و خالی از سکنه در تهران به نمایش درآمده. مکانی که پس از این نمایشگاه وارد پروسه بازسازی به قصد تغییر کاربری خانه به یک گالری خواهد شد. پایه‌های فکری و کیوراتوریال این نمایشگاه ریشه در بازنگری، تصاحب و تحول مفهوم «خانه» از محلی آشنا و به نوعی سمبل روزمرگی و حریم خصوصی، به یک مدیوم هنری دارد. هنرمندان این نمایشگاه با تصاحب یا «اپروپرایشن» این بنا، بازنگری‌ای دارند نسبت به اندرونی‌ترین فضاهای زندگی به قصد کشف، تغییر و نمایش دوباره آنها.

رشته اتصال این آثار، بازتعریف خصوصی‌ترین مکان‌های زندگی روزمره است: اتاق خواب، دستشویی، زیرزمین، استخر و غیره. امری که فیلسوف و تئوریسین دهه ۱۹۶۰ فرانسوی گی دبور، تحت عنوان «جغرافی‌روانی» آن را «محو شدن کامل مرز هنر و زندگی» تعریف می‌کند. او به همراه همفکران خود سعی در مقابله با جنبه بازاری/سرمایه‌داری هنر و ارائه جایگزینی برای آن، توسط تصاحب فضاهای شهری نامرتب با «نهاد هنر»، و ایجاد رویدادهای هنری مستقل که وی آنها را «موقعیت» می‌نامید داشت. خانه خیابان عبده به این معنی یک «موقعیت» است برای بازنگری تجربی یک مکان جغرافیایی روزمره برای هنرمند و بازدیدکننده.

علاوه بر این بازنگری هنرمند به مفهوم خانه، این نمایشگاه محصول دو بازنگری دیگر نیز هست. بازنگری مالکان به خانه پدری و خالی از سکنه خود بعد از نقل مکانی چندین ساله، و تصمیم به حیات‌بخشی دوباره به آن با هویتی جدید در قالب یک گالری، و همچنین بازگشت من به عنوان کیوراتور این نمایشگاه از کانادا به خانه اصلی‌ام ایران بعد از یک مهاجرت طولانی مدت. بازنگری‌ای شخصی و اساسی نسبت به محل زندگی‌ام که ماحصل هنری آن همکاری با مالکان این خانه، ایده این نمایشگاه، کار با هنرمندان و برگزاری آن شده است. در نتیجه نمایشگاه سه‌گانه‌ای است تجدیدنظرطلبانه، که هر یک از سه ضلع آن نقشی بنیادی در آن اجرا می‌کنند.

به دلیل مکان-ویژه بودن «بازنگری در خانه خیابان عبده»، اکثر این آثار تنها در طول برقراری این نمایشگاه قابل دیدن هستند و بعد از اتمام آن و به دلیل تغییرات اساسی بنا برای تاسیس گالری، ناگزیر تخریب خواهند شد. خاصیتی که ریچارد سِرّا مجسمه‌ساز آمریکایی آن را «اگر تکانش بدهی نابودش کرده‌ای» تعریف می‌کند. این سرانجام در کنار زمختی بصری و در دست تعمیر بودن خانه، این ایده را به ذهن می‌آورد که احتمالاً هر تولدی دوباره‌ای، مشروط به گذار از جسم قبلی است و از ملزومات هر بازنگری‌ای ترک و عبور از موقعیت قبلی.

- تکین آغداشلو

Revision at the House on Abdeh St.

Revision at the House on Abdeh St. is a site-specific exhibition consisting of installations and murals by fourteen artists, held in an empty house in downtown Tehran. This is a house in the midst of transforming from a residence for a single family, into a contemporary art gallery for all. The intellectual and curatorial foundations of this exhibition are rooted in revision, appropriation, and the evolution of the concept of *home* from a familiar space and a symbol of the everyday and privacy, into an artistic medium. By appropriating this building, the artists revise the innermost living spaces moments of transformation, discovery, and revelation.

These pieces share an intention to redefine the most private of spaces - the bedroom, the bathroom, the basement, the swimming pool. An act which the 1960s French philosopher and cultural theorist Guy Debord calls *Psychogeography* and defines as “a total dissolution of boundaries between art and life.” Debord, together with his contemporaries, tried to oppose the capitalist and profit-driven nature of the arts, by offering a substitute for it through appropriating city spaces unrelated to the *institution of art* and creating independent art events, which he called “situations”. By this definition, the house on Abdeh Street is a “situation” for the experimental revision of an everyday geographical location by the artists, viewers, and exhibition at large.

In addition to the artists’ return to and revision of the concept of home, this exhibition demonstrates two parallel revisions. First, the return of the owners to their empty childhood home after nearly a decade, establishing it anew as an art gallery. Secondly, as curator of this show, my own return to my place of birth and upbringing, Iran, after a long-term migration to Canada. This personal return is fundamental to the idea of this exhibition, in collaborating with the owners of the house, and working with the presented artists. As a result, *Revision at the House on Abdeh St.* is a revisionist triangle, in which each of its sides plays a defining role.

Due to its site-specific nature, most of the pieces in this exhibition can be viewed only during this show, and major renovations in the coming months means that they will inevitably be demolished. This evokes the idea American sculptor Richard Serra describes as “if you move it, you destroy it”. This fate for the house on Abdeh St., paired with the current crude condition in which it finds itself, lends itself to a useful lesson - the determining prerequisite for rebirth is to fully, and unapologetically abandon the old body, framework, or condition.

- Takin Aghdashloo

Bahador Adab

b. 1984, Tehran

Bahador Adab graduated from York University in Toronto, in marketing, and the London Film School. He has produced four short films and a documentary which have been presented at international festivals. He has contributed to over 25 different responsibilities in over 25 short and feature films. In 2018, he held a solo photography exhibition at Tehran's Dastan Gallery "Electric Room".

Depth/Surface 2018

Mirror, neon

Here, it has been tried that the on-looker takes a look, though superficial, at one's self, thus creating a space, that, in spite of the closed physical boundaries of the pool, breaks its walls and turns it into a limitless space like the mind. On the other hand, gazing at one's self, whether figuratively or through movement in front of a reflective surface, always creates new apprehensions. It is not so easy to look within, specially as the age advances and our knowledge of our true selves, deep inside and unbeknownst to others, in the darkest corners of our essence and our brightest moments, increases. It is a blessing and a curse, that each person reacts to differently.

بهادر ادب

متولد ۱۳۶۳، تهران

بهادر ادب، متولد مرداد ۱۳۶۳ در تهران است. او فارغ التحصیل رشته بازاریابی از دانشگاه بورک تورنتو و مدرسه فیلمسازی لندن است. او تا به حال ۴ فیلم کوتاه و یک فیلم مستند ساخته که موفق به حضور در جشنواره‌های بین‌المللی شده‌اند. او در بالغ بر ۲۵ فیلم کوتاه و بلند در سمت‌های مختلف ایفای نقش کرده. ادب تا به حال یک نمایشگاه انفرادی عکس در سال ۱۳۹۷ در فضای «اتاق برق» گالری دستان تهران برگزار کرده.

عمق/سطح ۱۳۹۷

آئینه، نئون

در اینجا سعی شده که مخاطب هر چند سطحی نگاهی به خود اندازه و فضایی به وجود بیاید که با وجود بسته بودن مرزهای فیزیکی استخر، دیوارهای آن را شکسته و آن را به یک فضای بدون انتها مانند ذهن تبدیل کند. از طرف دیگر نگاهی به خود انداختن چه به صورت مفهومی و چه به عنوان یک حرکت در مقابل سطحی که تصویر را منعکس می‌کند، همیشه باعث به وجود آمدن افکار جدیدی در آن فرد است. نگاه کردن به خود آنقدر آسان نیست، مخصوصاً هر چه که سن بالاتر می‌رود و دانش ما نسبت به کسی که واقعا هستیم، بدون آنکه به کسی بگوییم در اعماق وجودمان، در تاریک‌ترین نقاط وجودمان و درخشان‌ترین لحظاتمان بیشتر می‌شود. این یک نعمت و یک نفرین است، که هر فرد به آن عکس العملی دارد.

۱

Takin Aghdashloo

b. 1982, Tehran

2011 Bachelor of Fine Arts / Ryerson University / Toronto

Takin Aghdashloo is a Tehran-born artist and designer. After emigrating to Canada In 2001, he received his Bachelor of Fine Arts from Ryerson University. Following this, he worked as the Director of Design and Integrated Media at Harbourfront Centre, Toronto's multi-venue multi-disciplinary arts center, for a number of years. Aghdashloo won the InterAccess and Sympatico new media art awards in 2011. Aghdashloo lives and works in Tehran since 2017.

Group Exhibitions

2012 *Foreign Bodies* / TIL Gallery / London

2011 Ossington Gallery / Toronto

2011 *META 2011* / Arta Gallery / Toronto

2010 *META 2010* / Arta Gallery / Toronto

2010 Image Center Gallery / Toronto

تکین آغداشلو

متولد ۱۳۶۱، تهران

تکین آغداشلو هنرمند و طراح متولد تهران است. او در سال ۱۳۸۰ به کانادا مهاجرت کرد و در سال ۱۳۹۰ از رشته کارشناسی هنرهای تجسمی از دانشگاه رایرسون تورنتو فارغ‌التحصیل شد. وی پس از اتمام دوران تحصیلات خود به مدت در پست‌های مختلفی از جمله مدیر هنری و طراحی نهاد تأثیرگذار فرهنگی هنری «هاربرفرانت سنتر» تورنتو فعالیت داشت. او در کنار این مسئولیت‌ها به تولید هنری و طراحی نیز می‌پرداخت. آغداشلو در سال ۱۳۹۰ موفق به کسب جایزه‌های «اینتراکسس» و «سیمپاتیکو» در رشته هنرهای نیومدیا در تورنتو شد. آغداشلو از سال ۱۳۹۶ دوباره در تهران ساکن است.

نمایشگاه‌های گروهی

۱۳۹۱ «بدن‌های خارجی» / گالری تی‌آی‌آل / لندن

۱۳۹۰ نمایشگاه گروهی / گالری آزینگتون / تورنتو

۱۳۹۰ «متا ۲۰۱۱» / گالری آرتا / تورنتو

۱۳۸۹ «متا ۲۰۱۰» / گالری آرتا / تورنتو

۱۳۸۹ نمایشگاه گروهی / گالری ایمج سنتر / تورنتو

All That Is Solid Melts Into Air 2018

Video, drywall, metal, paint, LED, screen

An unknown and unpredictable situation in which the *beginning* is accessible, but the time or even the possibility of the *end* is a complex, mysterious, slippery, and illusive variable. Getting used to eternally unfinished projects, and passing the years waiting for that which was supposed to happen years ago, and it is supposedly still coming soon. As Karl Marx put it in *The Manifesto of the Communist Party*, "All that is solid melts into air." The postmodern condition or perhaps the post-postmodern condition. A condition in which everything changes overnight. Time is relative and "in two months" is only true today but it could be "in two years" next week.

هر آنچه استوار است به هوا می‌رود ۱۳۹۷

ویدیو، گچ، رنگ، فلز، نمایشگر، ال‌ای‌دی

یک موقعیت نامعلوم و غیرقابل پیشبینی. موقعیتی که در آن «شروع» قابل دسترس، اما زمان و حتی «امکان پایان» یک امر پیچیده، معمای لغزنده و سراب‌گونه است. عادت به در دست احداث بودن‌ها، و سال‌ها را سپری کردن در انتظار چیزی که سال‌ها پیش قرار بود اتفاق بیفتد، و همچنان به زودی در راه است. به تعبیر کارل مارکس در مانیفست کمونیست «هر آنچه استوار است، به هوا می‌رود»؛ عصر پسامدرنیسم یا شاید پسپسامدرنیسم. شرایط محیطی‌ای که در آن همه چیز یک شبه عوض می‌شود. زمان نسبی است و دو ماه دیگر فقط امروز دو ماه دیگر است، هفته بعد ممکن است دو سال دیگر باشد.

Amirali Izadi

b. 1981, Tehran

Amirali Izadi grew up in an artistic family in Tehran. Calligraphy runs in his blood as Dabirkhaghan, his great grandfather, was a renowned Persian calligrapher of the past century. Ever since childhood, he was trained under the supervision of Maestro Yadollah Kaboli, the pioneer of Shekasteh Calligraphy. Influenced by his B.Sc Degree in Computer Engineering, Izadi combines various materials and means of technology to form creative expressions.

Peace, the Message 2018

Ink on paper

Today's fast-paced society is shrinking the attention span of our generation. We look for short excerpts, shrunken versions of all matters, to make sure we don't fall behind from the train of life. We avoid emerging ourselves in the full depth and breadth of the issues we care about. In order to survive our own species, which is a small fragment of the natural world we have to make peace with nature. Yet, we may miss our opportunities if we continue to shrink our attention spans.

امیرعلی ایزدی

متولد ۱۳۶۰، تهران

فارغ‌التحصیل رشته کارشناسی کامپیوتر از دانشگاه آزاد تهران. امیرعلی ایزدی در خانواده‌ای هنری به دنیا آمد. مادرش شهرزاد غروی از هنرمندان شناخته شده در هنر بافت و جد پدری‌اش (مهدی ایزدی ملقب به دبیر خاقان) از خوشنویسان بنام معاصر بود. از کودکی شاگرد استاد یداله کابلی (استاد برجسته خط شکسته) بود. کار هنری را به صورت حرفه ای از سال ۱۳۹۰ آغاز کرد. در دو نمایشگاه آخرش که با همکاری سازمان ملل متحد برگزار گردید، آثاری را به نمایش گذاشت که علاوه بر تکرار کلمه صلح، فقدان آن را نیز القای کرد.

صلح، پیامش ۱۳۹۷

جوهر روی کاغذ

سرعت بالای زندگی امروز باعث شده که ما خیلی سریع از کنار همه چیز بگذریم، عادت کرده‌ایم که اگر مطلبی فشرده و کوتاه نباشد ما را از قطار پرسرعت زندگی عقب خواهد انداخت. از طرفی به این نتیجه رسیده‌ایم که برای بقای نسل بشر باید با طبیعت که خود ذره‌ای کوچک از چرخه عظیم آن هستیم صلح کنیم، ولی شاید اگر از کنار این مطلب هم با همان سرعت عبور کنیم دیگر راه بازگشتی نباشد.

Soodeh Bagheri-Tirtash

b. 1982, Ahwaz

Works and lives in Tehran, Iran.

2005 Bachelor of Fine Arts / Science and Culture University / Tehran

2009 Master of Fine Arts / Arts and Architecture Azad University / Tehran

Solo Exhibitions

Autopsy / Zirpele\ Tehran (2015)

Untitled / Mehrva Gallery / Tehran (2009)

Group Exhibitions

Identity / Shirin Gallery / Tehran (2016) - *Thread*, Total Art Gallery, Dubai (2014) - *History Game* / Etemad Gallery\ Tehran (2013) - *Inversion* / Dastan's Basment / Tehran (2013) - *Private Show* / Igreg Gallery / Tehran (2013) - *Group Show* / Siin Gallery / Tehran (2012) - *Drawing For Drawing* / Arte Gallery / Tehran (2012) - *Tehran Art Expo* / Fravahr Gallery / Tehran (2012) - *Portrait & Self-portrait* / Total Art Gallery / Dubai (2011) - *Parts of The World* / Meem Gallery\ Dubai (2009)

Selected Art Festivals

The 4th New Generation Selected / Mellat Gallery / Tehran (2009) - The 2nd Contemporary Drawing Festival, Imam Ali Religious Art (2009) / Museum, Tehran (2009) - The 3rd New Generation Selected, Niavaran Palace / Tehran (2008) - The 1st New Generation Selected / Homa Gallery / Tehran (2006) - The 1st Drawing Biennial / Karaj (2005)

Cat in an Empty Apartment 2018

Installation, fabric, drawing on canvas and cardboard, mixed media

Die - One doesn't do that to a cat.
For what's a cat to do
in an empty apartment.
Climb up the walls.
Rub up against the furniture.
Nothing seems changed here,

سوده باقری تیرتاش

متولد ۱۳۶۱، اهواز

۱۳۸۴ لیسانس نقاشی از دانشگاه علم و فرهنگ تهران

۱۳۸۸ فوق لیسانس نقاشی دانشکده هنر و معماری

نمایشگاه‌های انفرادی

۱۳۹۴ «کالبد شکافی» / زیرپله

۱۳۸۸ «بدون عنوان» / گالری مهروا

نمایشگاه‌های گروهی

۱۳۹۵ - «هویت» / گالری شیرین. ۱۳۹۲ - «نخ» / گالری توتال آرت

دبی. ۱۳۹۲ - «تاریخ‌بازی» / گالری اعتماد. ۱۳۹۱ - «وارونگی» /

گالری زیرزمین دستان. ۱۳۹۱ - «نمایش خصوصی آثار» / گالری

ایگرگ. ۱۳۹۱ - «نمایشگاه گروهی نقاشی» / گالری سین. ۱۳۹۱ -

«طراحی برای طراحی» / گالری آرت. ۱۳۹۰ - «آرت اکسپوی تهران» /

گالری فروهر. ۱۳۹۰ - «پرتره و سلف‌پرتره» / توتال آرت دبی / ۱۳۸۸

- «بخش‌هایی از جهان» / گالری میم دبی.

شرکت در چندین جشنواره داخلی از جمله

۱۳۸۸ - «منتخب نسل نو» / گالری پردیس ملت. ۱۳۸۸ -

«جشنواره طراحی معاصر» / موزه امام‌علی. ۱۳۸۵ - «منتخب نسل

نو» / گالری هما. ۱۳۸۴ - «اولین نمایشگاه سالانه طراحی کرج» /

کرج.

گره‌ای در خانه‌ی خالی ۱۳۹۷

چیدمان، دوخت و دوز و پارچه، طراحی روی بوم و مقوا، ترکیب مواد

مردن - با گره این کار را نمی‌کنند.

چون گره در خانه‌ای خالی

چه کار می‌تواند بکند.

از دیوار بالا رفتن.

خود را به میل‌ها مالیدن.

انگار اینجا چیزی عوض نشده

اما چیزها جای خود نیستند.

انگار از سر جای خود تکان نخورده‌اند

اما از هم جدا شده‌اند.

و شب‌ها، چراغ خواب دیگر روشن نیست.

yet it's still changed.
Nothing's been moved,
yet it seems pushed back.
And the light no longer comes on in the evenings

Footsteps can be heard on the stairs,
but not the ones.
The hand that puts fish into the bowl
is not the one that used to, either.

Something does not begin
at its usual time.
Something doesn't take place
as it should.
Someone was here, and was,
and then suddenly disappeared
and now stubbornly is not.

All the closets have been inspected.
All the shelves run across.
The carpet has been squeezed under and checked out.
Even the commandment has been broken
and the papers have been scattered.
What else is there to do
but sleep and wait.

Oh, let him come back,
let him show his face.
Then he'll learn the lesson
that one doesn't do that to a cat.
Walk toward him
with feigned reluctance
slowly
on one's very offended paws.
No leaps or squeals, at least to begin with.

Wisława Szymborska

trans. Piotr Malysz

صدای گام‌هایی روی پله به گوش می‌رسد
اما همان گام‌ها نیست.
دستی هم که ماهی را در بشقاب می‌گذارد
همان دست نیست.

چیزی اینجا آغاز نمی‌شود
در زمان همیشگی خود.
چیزی اینجا اتفاق نمی‌افتد
طوری که قرار بود.
کسی اینجا بود و بود
و بعد ناگهان ناپدید شد
و مدام، نیست.

همه‌ی کمدها را گشتن.
قفسه‌ها را دیدن.

سر به زیر قالی‌ها کردن واری کردن.
حتا ممنوعیتی را نقض کردن
و کاغذها را پخش و پلا کردن.
کار دیگری ماند که نکنیم؟
خوابیدن و صبر کردن.

اگر برگردد.

اگر پیدایش شود.

من دیگر به او خواهم گفت،

که با گربه این کار را نمی‌کنند.

به طرفش طوری خواهم رفت

که انگار هیچ چیز نمی‌خواهم

یواش یواش

با پاهای رنجیده خواهم رفت.

و در ابتدا از لوس شدن‌ها و جست و خیزها خبری نخواهد بود.

ویسواوا شیمبورسکا

ترجمه‌ی: مارک اسموژنسکی، شهرام شنیدایی، چوکا چکاد

Mehrnoosh Bagheri Doost

b. 1985, Tehran

Group Exhibitions

2018 Civilization is Madness / Ariana Art Gallery / Tehran

2017 *Turmoil* / Ariana Art Gallery / Tehran, Iran

2017 Sculpture Exhibition / Shirin Art Gallery / Tehran

2017 Sculpture Exhibition / Avan Center / Tehran

2017 Sculpture Exhibition / Tehran Beautification
Organization

مهرنوش باقری دوست

متولد ۱۳۶۴، تهران

نمایشگاه‌های گروهی

۱۳۹۷ «تمدن دیوانگیست» / گالری آریانا / تهران

۱۳۹۶ «آشفتنگی» / گالری آریانا / تهران

۱۳۹۶ نمایشگاه گروهی مجسمه / گالری شیرین / تهران

۱۳۹۶ نمایشگاه گروهی مجسمه / آوان سنتر / تهران

۱۳۹۶ نمایشگاه گروهی مجسمه زیباسازی شهرداری تهران

پيله ۱۳۹۷

پشم‌شیشه، فلز، ال‌ای‌دی، سیستم صدا

Cocoon 2018

Glass wool, sounds system, LED

The cocoon has a vague definition for me; The existential entity of cocoon is ambiguous to me. On the one hand, I see it as a womb, and it's a symbol of birth. On the other hand, it is as similar to a grave and maybe a shroud, close to the concept of death. It can be the warps that living creatures spin around before they die, and it can also be a womb that a fetus has tied around. A chaffy and fragile cortex to pass one shell to another. In my opinion, death in the essence of cocoons is not much different from birth. With the multitude of cocoons and their apparent differences, I have tried to show this complexity and obscure entity.

پيله برای من تعریف مبهمی دارد؛ نهاد وجودی پيله برایم ابهام آلود است. از یک سو آن را به رحم شبیه می بینم و برایم نمادی از زایش است. از سوی دیگر به همان اندازه به قبر و شاید کفن شبیه است و نزدیک به مفهوم مرگ. هم می تواند تارهایی باشد که جانداري پیش از مرگ به دور خود می تند و هم می توان آنرا رحمی تصور کرد که جنین به دور خود تنیده است. قشری پوشالی و شکننده برای عبور از کالبدی به کالبد دیگر. به نظر من در هستی پيله ها مرگ تفاوت چندانی با تولد ندارد. با تعدد پيله ها و تفاوت ظاهری آنها کوشیده‌ام همین پیچیدگی و نهاد مبهم را نمایش دهم.

Amirhossein Torkzadeh

b. 1983, Tehran

Member of the Iranian Sculptors Association

Group Exhibitions

- 2018 Group Exhibition / Ministry of Culture and Islamic Guidance / Tehran
2018 *Civilization is Madness* / Group Exhibition / Ariana Art Gallery / Tehran
2017 The Tenth Annual Exhibition of Small Statues / Aran Gallery / Tehran
2017 *Ashoftegi (The Chaos)* / Group Exhibition / Ariana Art Gallery / Tehran
2017 Curator of *Unexpected Room* Group Sculpture Exhibition / Shirin Art Gallery / Tehran
2017 Group Sculpture Exhibition / Shirin Art Gallery / Tehran
2017 Group Sculpture Exhibition / Avan Center / Tehran
2017 Group Sculpture Exhibition / Tehran Beautification Organization / Tehran

امیرحسین ترکزاده

متولد ۱۳۶۲، تهران

عضو انجمن هنرمندان مجسمه ساز ایران

نمایشگاه‌های گروهی

- ۱۳۹۷ نمایشگاه گروهی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی / تهران
۱۳۹۷ «تمدن دیوانگیست» / گالری آریانا / تهران
۱۳۹۶ دهمین نمایشگاه سالانه مجسمه‌های کوچک / گالری آران / تهران
۱۳۹۶ «آشفتگی» / گالری آریانا / تهران
۱۳۹۶ کیوراتور نمایشگاه گروهی مجسمه «اتاق غیر منتظره» / گالری شیرین / تهران
۱۳۹۶ نمایشگاه گروهی مجسمه / گالری شیرین / تهران
۱۳۹۶ نمایشگاه گروهی مجسمه / آوان سنتر / تهران
۱۳۹۶ نمایشگاه گروهی مجسمه زیباسازی شهرداری تهران

بختک ۱۳۹۷

پلی اتیلن، شیشه، ال‌ای‌دی

The Night Hag 2018

Polyethylene, glass, LED

Bright beams of thought in my mind no sooner form a matrix-like order than come under a heavy invasion of dark thoughts. As if a night hag coiling up on a bosom of a pregnant mind. The gloom soon becomes pervasive, but at the same time I do not know whether brightness turns into black or darkness reaches light. I have gathered and spread the black strings here to portray the invasion and aggression of darkness over the space of the mind. The mirror-like reflection of blackness is its multiplication and stretch in a mirrored place; somewhere between the virtual and the real that is both in the mind and in the eye, and with this system can multiply to eternity. Blackness accumulates in one point and then expands into the rest of space that is the bed of thought and brightness. It moves toward the light and becomes a mass that swallows it. After this point is unknown to us. The rush of blackness prevails or the emission of light, we do not know.

پرتوهای روشن اندیشه در ذهن من به محض آنکه نظم‌ی ماتریس‌گون می‌یابند مورد هجوم حجمی سنگین از افکار سیاه قرار می‌گیرند. انگار بختکی باشد که تا اندیشه آپستن می‌شود بر سینهایش چنبره می‌زند. سیاهی زود فراگیر می‌شود اما در عین حال نمی‌دانم آیا روشنی به تیرگی بدل می‌شود یا سیاهی به نور می‌رسد. من رشته‌های سیاه را برای تصویر کردن هجوم و تجاوز تاریکی بر فضای ذهن در این مکان انباشته و گسترانیده‌ام. انعکاس آینه‌ای سیاهی تکثیر و امتداد آن در مکانی آینه‌ای است؛ جایی میان مجاز و واقعیت که هم در ذهن است و هم در عین و با همین نظام قابلیت تکثیر تا بی‌نهایت دارد. سیاهی در یک نقطه انباشت می‌شود و بعد به باقی فضا که بستر اندیشه و روشنی است تسری پیدا می‌کند. به سمت نور می‌رود و توده‌ای می‌شود که آن را احاطه می‌کند. از اینجا به بعد برای ما نامعلوم است. نمی‌دانیم خیزش سیاهی غلبه می‌یابد یا انتشار نور.

Rana Dehghan

b. 1986, Tehran

2016 Bachelor of Fine Arts / Central Azad University, Tehran

Solo Exhibitions

2018 *Eat My Fear, Chew My Name* / Delgosha Gallery / Tehran

2017 *Punishment* / Delghosha Gallery / Tehran

2016 *Opening* / Abi Gallery / Tehran

Group Exhibitions

2018 *Modern Contemporary Bijan Saffari* / Dastan Gallery / Tehran

2016 *Imago Mundi - The Art of Humanity at the Pratt Institute* / Rubelle and Norman Schfler Gallery / New York

2016 *Versus Festival* / Niavaran Cultural Center / Tehran

Group Collaboration Art Projects

Several projects in Tehran

Everyday With You, Moonlight 2018

Various packaging paper, LED

Being in the supermarket has always been exciting to me. Not necessarily for being a place for shopping, but seeing things next to each other on the shelves, with its tempting order in identical dimensions, that seem to never end.

Influenced by that repetitive rhythm in the shelves, I have created a small supermarket by arranging covers of used stuff.

In one of the most important places in my life, the loo.

رنا دهقان

متولد ۱۳۶۵، تهران

۱۳۹۵ کارشناسی هنرهای تجسمی / دانشگاه آزاد مرکز / تهران

نمایشگاه‌های انفرادی

۱۳۹۷ «ترسمو بخور، اسممو بجو» / گالری دلگشا / تهران

۱۳۹۶ «تنبیه» / گالری دلگشا / تهران

۱۳۹۵ «سوراخ» / گالری آبی / تهران

نمایشگاه‌های گروهی

۱۳۹۷ «معاصر مدرن بیژن صفاری» / گالری دستان / تهران

۱۳۹۵ «ایماجو موندی، هنر بشریت در انستیتو پرات» / گالری روبل و

نورمن شفلر / نیویورک

۱۳۹۵ فستیوال ورسوس / مجتمع فرهنگی نیاوران / تهران

پروژه‌های هنری همکاری گروهی

چندین پروژه در تهران

هر روز با تو ای مهتاب ۱۳۹۷

کاغذهای بسته‌بندی، ال‌ای‌دی

بودن در سوپر مارکت همیشه برای من هیجان انگیز است. نه لزوماً مکانی برای خریدن، که دیدن چیزهایی در کنار هم در قفسه‌ها با آن نظم هوس‌انگیزش در ابعاد یکسان که انگار هرگز تمام نخواهند شد. من با تاثیر از همان ریتم تکرار شونده در قفسه‌ها با چیدن جلد چیزهای مصرف شده برای خودم سوپرمارکت کوچکی ساختم. در یکی از مهمترین مکان‌های زندگی‌ام، مستراح.

Soheil Rad

b. 1984, Tehran

Soheil Rad has received his Bachelor of Arts in Industrial Design and Master of Arts in Scenography from Milan University, after which he moved back to Iran to launch his line in light and installation arts. Due to his love for Iran's ancient heritage, traditions, and architecture from an early age, paired with his passion for Scenography, he seeks to tell stories through light and objects to bring those two worlds together.

Isolated 2018

Plexi-glass, neon

Retrograde planets, overpopulation, modern slavery to individualism, digital connections over physical interactions, animal rights over human rights, heritage destruction and construction, compressed feelings, natural resources crisis, and ultimately self-centred is the solution to enter a new era. An era of transformation in which human-beings are unconsciously destructing over constantly constructing. An era of human vs. human. An era of self-destruction and isolation.

سهیل راد

متولد ۱۳۶۳، تهران

سهیل راد پس از دریافت مدرک کارشناسی طراحی صنعتی و کارشناسی ارشد خود در رشته طراحی صحنه به ایران بازگشت و فعالیت خود را در زمینه نور و هنر چیدمان آغاز کرد. او با علاقه وافر به میراث، سنت و معماری ایران از کودکی، که با اشتیاقش به طراحی صحنه تلفیق شده است، قصد دارد که از طریق نور و اشیا به روایت داستان بپردازد.

ایزوله ۱۳۹۷

پلکسی‌گلاس، نئون

حرکت برگشتی سیارات، ازدیاد جمعیت، از برده‌داری مدرن به فردگرایی، ارتباطات دیجیتال بر ضد تعاملات فیزیکی، ارجحیت حقوق حیوانات بر حقوق بشر، تخریب میراث و ساخت و ساز، سرکوب احساسات، سواستفاده از بحران منابع طبیعی و در نهایت خودمحوری راه‌حل ورود به عصری جدید است. عصر تحول که انسان‌ها ناخودآگاه به طور دائم در حال تخریب با هدف ساخت هستند. عصر ایستادن انسان در مقابل انسان. عصر خود تخریبی و انزوا.

۸

Kasra Rafiei

b. 1994, Tehran

Kasra Rafiei has been painting on walls for the past six years. During this time he has painted walls in Tehran, Isfahan, London, Paris and New York. He has worked alongside artists from different backgrounds and principles.

Untitled 2018

Acrylic

We all know walls as canvases. Our cities' walls have been rendered into huge canvases for the past 40 years. They tell us stories that create solid history out of colour and form. Painting for me is about fluidity. I insist on improvising. My work creates a space in which I am allowed to decide where to turn; a blending of my experiences with the wall that is provided. A meeting place of solid wall and continuous flow of imagination. But here the only history is mine, and the wall's. We will shape each other through our meeting.

کسرا رفیعی

متولد ۱۳۷۳، تهران

کسرا رفیعی شش سال است که بر روی دیوارها نقاشی می‌کند. در طی این زمان او بر روی دیوارهای شهر تهران، اصفهان، لندن، پاریس و نیویورک از خود آثاری بجا گذاشته. او در کنار هنرمندان بسیاری با سوابق و سبک‌های مختلف کار کرده است.

بدون عنوان ۱۳۹۷

اکریک

ما دیوارها را به عنوان بوم نقاشی می‌شناسیم. دیوارهای شهر ما طی ۴۰ سال گذشته همچون بوم‌های نقاشی گسترده و بزرگ بازتاب داستان‌هایی از تاریخ هستند که عاری از هرگونه رنگ و فرم داستان‌هایی را به روایت می‌کنند. نقاشی برای من درباره سیال بودن است. من نقاشی‌هایم را بداهه می‌کشم و طراحی من فضایی خلق می‌کند که به مجال می‌دهد تجربه‌هایم را با دیواری که موجود است ترکیب کنم. جایی که دیوار و جریان مداوم از تخیل با هم تلاقی می‌کنند. در اینجا تنها خاطره از آن من است و دیوارها. ما از طریق این تلاقی به هم شکل می‌دهیم.

هدا زرباف

متولد ۱۳۶۱، تهران

Hoda Zarbaf

b. 1982, Tehran

Hoda Zarbaf's compositions are mainly made up of found materials that have individual human traces in them: used socks, worn t-shirts, human hair, abandoned dolls and throwaway furniture. The artist therefore raises the issue of memory, while simultaneously making the absence of the former owners appear as an empty space and irretrievable loss. She joins these discarded, forgotten and thus useless pieces with self-made ceramics, lights, sounds, videos or patchwork elements and gives them a new narrative. The uncanny and absurd character that Hoda Zarbaf's sculptures exude are witnesses to fragility; they are expressions of overlapping psychological states that speaks of desires, pain, nostalgia – and melancholy.

Born in Tehran in the midst of war and revolution, Zarbaf after years of migrating and travelling, now lives and works between Toronto and Tehran. In 2005 she received a Bachelor in Fine Arts in Painting and later in 2007 a master's degree in animation from the University of Tehran. In 2007, Zarbaf moved to Canada and completed an Master in Fine Arts at the University of Windsor, which opened up new windows in her applied media, artistic exploration and expressions. For more than a decade now, Hoda Zarbaf has successfully shown her work in reputable art spaces such as Art Gallery of Windsor (AGW), Tehran Museum of Contemporary Arts (TMOCA), Art Gallery of Ontario (AGO) to name a few. Her work has extensively travelled and been displayed in a number of solo and group shows in Europe, Canada, United States and the Middle East.

احجام ساخته‌ی دست هدا زرباف، غالباً از آیت‌های بازیافتی‌ای که رد پای انسانی در آن‌ها قابل مشاهده است ساخته شده‌اند؛ متریال‌هایی همچون جوراب‌های سوراخ دار، تی‌شرت‌های کهنه، گیس بریده انسان، عروسک‌های رها شده و میلان به دور انداخته.

هنرمند طرح خیال‌انگیزی از خاطره را در می‌اندازد، و همچنین از آن روی که غیبت صاحبان سابق این آیت‌های بازیافتی در فضای خالی احساس می‌شود، فقدان غیرقابل انکار تعلق به گذشته را نیز یادآوری می‌کند. زرباف، این تکه‌های فراموش شده و غیرقابل استفاده را با مدیوم‌های معمول‌تری چون سرامیک، نور، صدا و ویدیو می‌آمیزد و روایتی جدید می‌آفریند.

کاراکترهای غیرمتعارف و پیچیده‌ای که در این مجسمه‌ها به عرصه‌ی وجود می‌رسند بیانی از وضعیت‌های روانی هم‌پوشانده‌ای هستند که از شهوت، رنج، نوسالزی و مالیخولیا سخن می‌گویند.

هدا زرباف در میانه‌ی انقلاب و جنگی ایدئولوژیک در تهران زاده شد؛ او پس از سال‌ها مهاجرت و سفر، هم اکنون در تهران و تورنتو زندگی و کار می‌کند.

در سال ۲۰۰۵، او مدرک لیسانس نقاشی از دانشگاه هنرهای زیبای تهران دریافت نمود، و در ۲۰۰۷ موفق به کسب مدرک کارشناسی ارشد در رشته‌ی انیمیشن از دانشگاه هنر تهران می‌شود. او در همان سال به کشور کانادا مهاجرت کرده و کارشناسی ارشدش را در هنرهای زیبا با زیر شاخه‌ی هنرهای دیجیتال به اتمام می‌رساند. مرحله‌ی مهاجرت به امریکای شمالی، دریچه‌ی جدیدی در استفاده از مدیوم‌ها و همچنین بیان هنری‌ای نو می‌گشاید. حالا برای بیشتر از یک دهه است که زرباف آثارش را در موسسات هنری شناخت شده‌ای چون موزه‌ی هنرهای ویندزور، موزه‌ی هنرهای اونتاریو و موزه‌ی هنرهای معاصر تهران با موفقیت به نمایش درآورده است. مجسمه‌ها و اینستالیشن‌های هدا زرباف در تعداد کثیری از شوهای گروهی و انفرادی در اروپا، کانادا، آمریکا و خاور میانه سفر کرده و شرکت داده شده‌اند.

Space in-between 2018

Video, mixed media

Have you met yourself from the past yet?

One can always meet the phantoms of the house in its staircase; or meet themselves from their past.

When I arrived; I found the staircase, called it the transit, and raised all the unspoken questions: do I belong to any time? do I belong to a certain space? can one separate time from space? can one separate themselves from their time and space? Have you ever faced your multiple selves?

The staircases separate and connect the personal from/with social space all at the same time. (eg. bedroom vs family room). And oh they've never been a negative space, take it just as a space in between, filled with transporting memories. Could one, therefore, meet themselves from different times and spaces in this space situated in-between? Could they connect? Could they transport the souvenirs of the past in this space in-between?

If you ever do, it becomes quite poetic. Make sure to write the relevant poem. Display your childhood card games there. Snap a catchy picture, it will look like that house from your past once loved and lost; But you could always go on and simply call it home.

وسعت میانی ۱۳۹۷

ویدیو، ترکیب مواد

هیچوقت خود گذشته‌تان را ملاقات کرده‌اید؟
شخص همیشه قادر است با اشباح هر خانه‌ای در پلکان آن خانه ملاقات کند، یا خیلی بهتر از آن، با خودش در گذشته مواجه شود.

روزی که به خانه بر می‌گردم، بی‌درنگ راه‌پله‌ها را یافته، نام این فضای خیال‌انگیز را ترانزیت می‌گذارم و سوال‌های ناپرسیده را می‌پرسم: سوال‌هایی از قبیل اینکه من به کدام زمان تعلق دارم؟ من به کدام فضا متعلق هستم؟ آیا می‌توان زمان را از مکان متمایز کرد؟ می‌توانم خود را از زمان‌ها و فضاهایی که در آنها سفر کرده‌ام جدا کنم؟ هیچ وقت با خودهای گونه‌گونه‌ام روبرو شده‌ام؟

پلکان‌ها همیشه فضاهای خصوصی را از عمومی، هم‌زمان جدا و متصل می‌کنند. (اتاق خواب و اتاق نشیمن را مثال می‌زنم).
پلکان‌ها را هیچ وقت فضای منفی نینگارید. فکر کنید که فضاهایی ترانزیتی هستند که خاطره‌ها را از زمانی به زمان دیگر و از فضایی به فضای دیگر منتقل می‌کنند.

خواهید پرسید، آیا می‌شود کسی خودش را در زمان و فضاهای مختلف در این ترانزیت ملاقات کند؟ می‌توان در فضا به راحتی متصل و منتقل شد؟ کسی می‌تواند سوغات‌های به جا مانده از گذشته را از طریق فضای میانی جابه‌جا کند؟

باید گفت، اگر هرگز موفق به انجام این کار شدید، مطمئناً اتفاق شاعرانه‌ای خواهد بود. حتماً شعر مربوطه را به بهترین نحوی که می‌شود نگارش کنید، کارت‌های بازی بچگی‌تان را آنجا به نمایش بگذارید و چند عکس یادگاری بگیرید. به طور حتم شباهت زیادی به خانه‌ای که زمانی دوستش می‌داشتید و در زمانی آن را گم کردید خواهد داشت. اگر رنج‌آمیز به نظر می‌رسد، می‌توانید به راحتی نامش را اختصاراً همان «خانه» بگذارید.

سی و ۸

متولد ۱۳۷۱، تهران

سیاوش منصوری متولد فروردین ۱۳۷۱ در تهران، ملقب به سی و ۸ (۳۸) فعالیت هنری خود را از سال ۱۳۹۴ شروع کرد. طرح‌های او عموماً از اتفاقات زندگی خود هنرمند یا به گفته خودش موضوعات روز که او را به سمت خود جذب می‌کرده می‌باشد. موضوعاتی که یک حس مشترک بین او و جامعه امروز ما برقرار میکند. منصوری در تیر ماه سال ۹۷ برای اولین بار نمایشگاهی از مجموعه آثار خود در گالری ثالث با محوریت رپ فارسی، خوشنویسی و نقاشی مفهومی برگزار کرد. این اولین نمایشگاه در تاریخ ایران، با موضوع رپ فارسی بوده است که این هنرمند به تنهایی آن را برگزار کرده است. دومین نمایشگاه وی در مجموعه اسکای سنتر لواسان با همکاری گالری ثالث به مدت یک هفته در آبان ۱۳۹۷ به صورت گروهی برگزار گردید.

روزهای بهاری ۱۳۹۷

اکرلیک، کاغذ

«در این روزهای بی‌امان سرما و پر از سوال‌های بی‌جواب، بیش از پیش جای خالی روزهای گذشته بهاری زندگی‌م را حس می‌کنم، بی‌دلیل خندیدن‌هایمان، هیجان ناب دست‌هایمان در دست یکدیگر و قدم به قدم کنار هم راه رفتنمان را بیش از پیش می‌جویم. دهه‌ی هشتاد رفت، روزای خوبمو نشمردم..»

- سی و ۸

در همه آثار وی اشعاری وجود دارد که عنصر اصلی اثر است و بقیه فرم‌ها و رنگ‌ها با توجه به معنی آن شعرها در جای خود قرار می‌گیرند. به زبان ساده‌تر او مفهوم شعرها را به تصویر می‌کشد تا این آثار بتوانند حس تخیل بیننده را به وجد بیاورند و هم اینکه در ذهن وی انگیزه‌هایی را، در مسیر بهتر شدن در زندگی سوق دهند.

جوانان دهه شصت و هفتاد شاید غریب‌ترین نسل با فرهنگ و ادبیات غنی ایرانی باشند و حس طردشدگی از هنر به خاطر اختلاف عقیده با نسل‌های گذشته به شدت مشهود است که باعث شده است تا نسبت به گذشته خود بی‌میل و بی‌تفاوت باشند.

هدف از جمع آوری این آثار، آشتی نسل قدیم هنری ایران با نسل جوان به علت تمام تضادهایی که ممکن است وجود داشته باشد است.

شعر و ادبیات با وجود ما ایرانی‌ها گره خورده، ولی به نظر می‌رسد جایی در میانه راه رابطه‌اش را با این نسل‌ها گم کرده است. شاید به خاطر تغییر در زبان فارسی طی سالیان و هنجارشکنی در همه ابعاد جامعه از جمله زبان، هنر، فرهنگ، ... که برای فهم سخنان نیاکانمان احتیاج به ترجمه داشته‌ایم و حسی به ما می‌گفت که زبان ما نیست! همیشه شعر با ما بوده فقط در این عصر فرم زمان خود را گرفته است.

همین‌طور هنر و شیوه نگارش خوشنویسی نستعلیق که معرف روح و فرهنگ ایرانی است. خط نستعلیق نشانه‌ای بارز از طبع و سلیقه زیبایی‌شناختی ایرانیان است. در این مجموعه سعی شده است تا از طریق ادبیات غنی فارسی و خط نستعلیق پلی بین نسل جوان حال حاضر و نسل‌های درخشان پیشین ایرانی ایجاد نموده و فاصله‌ها را نزدیک‌تر کنیم و به گونه‌ای آشتی‌جویانه با این ریشه‌های فرهنگ غنی ایرانیان ارتباط برقرار کنیم.

ارتباط عمیقی که خیلی‌ها نادیده می‌گرفتند و مسیری پر فراز و نشیب، که پیمودنش حتی از تصورات خیلی‌ها خارج بود. می‌گفتن نمی‌شه؛ نمی‌شد.

38

b. 1992, Tehran

Siavash Mansouri, known as “38” started his artistic journey in 2015. His drawings are mostly inspired by his own experiences in life, the topics that were appealing to him which created a mutual feeling between him and our society today. He had his debut solo exhibition at Saless Gallery in July 2018, bringing Persian rap, calligraphy and conceptual painting together. This was the first exhibition in Iran’s history focusing on rap culture. He exhibited his work in a group exhibition shortly after, in Fall 2018, at Sky Center in Lasavan, Iran in collaboration with Saless Gallery.

Spring Days 2018

Acrylic, paper

“In these cold days filled with many unanswered questions, I feel the absence of the old spring days of my life more. Longing more for laughing together with no reason, the excitement of holding each others hands and walking together side by side. The 2000’s past and I didn’t count my good days...”

- 38

In all of his works, there is poetry involved that is the essence of the piece, and all the forms and colours are created accordingly. Simply put, he is capturing the concept of the poetry so the work can affect the viewers imagination and motivating them to become better in life.

The youth of Iran which are the 2000’s generation are strangers to the literature and rich culture of Persia and the feeling of not belonging to their routes, because of the differences between their generation and the old ones are so obvious. This which has made them nonchalant towards their past.

The purpose behind these works was to connect the older and the new generation despite all the differences.

Persians are intertwined with poetry and literature but it seems that somewhere along the way this connection has been reduced with our generation. Maybe its because of the changes in the Persian language throughout the years

and norms that have been broken in today’s society in every aspect such as language, art, culture, etc which made us needing a translation to understand the words of our ancestors. The feeling that told us this isn’t our language. Poetry was always with us but in this era it has taken a different shape to it.

Art and Nastaliq calligraphy represent the Persian soul and culture. Nastaliq is a sheer sign of the taste and nature of Iranian’s aesthetics. This collection is trying to build a bridge between the young generation and the previous generations with the Persian literature and the Nastaliq calligraphy, to reduce the gaps and to reconnect with our Persian roots. A deep connection that many neglected. To cross a path filled with highs and lows that exceeds all expectations. They told us it couldnt be done, it’s done!

Roham Shamekh

b. 1990, Tehran

Roham Shamekh is a graduate of Interior Design from Tehran. Working as a photographer and installation artist, his work focuses on subjects from architecture, society, and integration of his photographs with painting and collage on his photos. He is interested in exploring visual, fiction, and natural world subjects.

رهام شامخ

متولد ۱۳۶۹، تهران

رُهام شامخ فارغ التحصیل رشته معماری داخلی از تهران . فعال در حرفه عکاسی و چیدمان رزومه‌ی کاری او به برخی از سوژه‌های معماری و اجتماعی و تلفیق تصویرهایش با نقاشی و کلاژ بر روی تصویرهایش بوده است و به تازگی به سوژه‌های تجسمی و داستانی و طبیعت می‌پردازد ۱۳۹۷.

The Bed for Age 18 2018

Bed frame, mirror, fabric, paint

Seeing the moments of day and night, sleep and wakefulness, which are fast passing.

Impossible dreams that come to be.

And big dreams too soon forgotten and stories that we hear, and hear no more.

People who come and, as time goes by, not even a smidgen of their fate remains.

Joys and sorrows, knowns and unknowns, the spectacular and the ordinary, mothers and fathers, past, present, or future.

Witness to an entire part of life,

is a bed where to whatever age, every night, we slept in its arms, and with the dust of memories in passing time we let it be forgotten in the nowhere of our mind.

تخت خواب ۱۸ سالگی ۱۳۹۷

تخت‌خواب، پارچه، آئینه، رنگ

مرور لحظه‌هایی از روز و شب، خواب و بیداری که به سرعت در حال گذر است.

رویاهای محالی که به واقعیت می‌پیوندند.

و آرزوهای بزرگی که به سرعت از یادمان می‌رود و داستان‌هایی که می‌شنویم و دیگر نمی‌شنویم .

آدم‌هایی که می‌آیند و بعد از گذر زمان لکه‌ای هم از سرانجامشان باقی نمی‌ماند.

خوشی‌ها و ناخوشی‌ها، می‌دانم‌ها و نمی‌دانم‌ها، دیدنی‌ها و ندیدنی‌ها، مادران و پدران،

گذشته، حال یا آینده.

که شاهد همه‌ی قسمتی از زندگی،

جای خوابیست که تا هر چند سالگی، هر شب‌ها در آغوش خوابیدیم و با غباری از خاطرات در گذشت زمان در ناکجای ذهنمان به فراموشی می‌سپاریم.

Ashkan Sadeghi

b. 1983, Tehran

Ashkan Sadeghi is a London-based artist, designer and architect. He holds a Bachelor of Arts and Design from University of the Arts in London and a Masters Degree in Architecture from the Architectural Association School of Architecture.

He worked as an architect at some well recognized architectural firms including Amanda Levet Architects, Foster and Partners and PLP Architecture in London. He was involved as lead designer in a number of projects including a retail store in Milan, a modern art museum in Lisbon, an office tower in London, Kuwait International Airport and a residential building in London.

He is the inventor of "The Elastic Brick" a unique material for the construction of mega vaults and 3D printing technology.

He is also the founder of Ashkan Sadeghi Atelier (ASA). ASA focuses on the role of computer simulation in art and design. His works have been published, awarded and exhibited in many design platforms such as Saatchi & Saatchi Gallery in London and Sotheby's auction in Milan.

Purple 2018

Acrylic on canvas, wood, mixed media

In *Purple*, Ashkan Sadeghi has considered the house as a living creature that 100 liters of fluid liquid at a speed of 100km/hr was injected and computer simulated from the ceiling air duct of the building, as during the reconstruction and destruction, the liquid inside and the stamina of the building is poured into the ground. The result is a fluid movement which creates a vivid and abstract form when collides to the ground, which establishes a dynamic link with the idea of reconstructing the house. The transition between the virtual world to the material world is one of the main features of Sadeghi's work, which is presented in this piece with the technique of constructing Waffle structures.

اشکان صادقی

متولد ۱۳۶۲، تهران

اشکان صادقی هنرمند، طراح و معمار مقیم لندن است. او در مقطع کارشناسی رشته هنر و طراحی از دانشگاه هنر لندن، و در مقطع کارشناسی ارشد در رشته معماری از دانشکده معماری انجمن معماری فارغ‌التحصیل شده است.

او به عنوان معمار در برخی از شرکت‌های معماری شناخته شده مانند «آمندا لوت آرکیtekستس»، «فاستر و شرکا» و «پی ال پی آرکیtekستس لندن»، مشغول به کار بوده است. صادقی در پروژه‌های متعددی مانند فروشگاه خرده فروشی میلان، موزه هنرهای مدرن لیسبون، برج اداری لندن، فرودگاه بین‌المللی کویت و ساختمان مسکونی لندن به عنوان طراح اصلی فعالیت کرده است. او مخترع «آجر کشسان» ماده‌ای منحصر به فرد برای ساخت طاق‌های بزرگ (مگا والت) و تکنولوژی چاپ سه‌بعدی است. او همچنین بنیانگذار کارگاه هنری اشکان صادقی است. کارگاهی که بر نقش شبیه‌سازی کامپیوتری در هنر و طراحی تمرکز دارد. آثار او به تعدد منتشر شده، مورد تقدیر قرار گرفته و در بسیاری از نمایشگاه‌های طراحی مانند گالری ساعتچی و ساعتچی در لندن و حراج سادبیز در میلان به نمایش درآمده است.

بنفش ۱۳۹۷

نقاشی روی بوم، چوب، ترکیب مواد

در اثر بنفش اشکان صادقی ساختمان باوان را به مثابه یک موجود زنده در نظر گرفته که از دریچه کانال هوای سقفی این ساختمان حرکت ۱۰۰ لیتر مایعی سیال با سرعت ۱۰۰ کیلومتر در ساعت تزریق و شبیه سازی کامپیوتری شده. بدان گونه که در حین بازسازی و تخریب، مایع درون و بقای این بنا به زمین ریخته شده است. نتیجه اثر حرکتی سیال است که به هنگام برخورد بر روی زمین فرمی زنده و آبستره را ایجاد کرده که رابطه‌ای پویا با نفس بازسازی باوان برقرار می‌کند. گذار بین دنیای مجازی به دنیای مادی از ویژگی‌های اصلی کارهای صادقی می‌باشد که در این اثر با تکنیک ساخت سازه‌های وافلی در معرض نمایش گذاشته شده است.

آرمیتا قصابی

متولد ۱۳۶۸، تهران

Armita Ghasabi

b. 1989, Tehran

Armita Ghasabi, is a Tehran-born, Toronto-based designer, photographer and visual artist. Majoring in Architecture and Spatial Design at Ryerson University in Toronto, - and architecture studies within the Faculty of Arts and Sciences jointly administered by the Harvard Graduate School of Design in Cambridge, Massachusetts.

She has worked at a number of international design publications and creative agencies - including Wallpaper* (TI Media), Architecture Digest (Conde Nast), Harper's Bazaar (Hearst), Virtue World Wide (Vice) and Métier Creative (Coveteur). As a Getty Images photographer and Eyeem contributor, her photography has been published in various different platforms such as The Globe and Mail, SELF and Glamour.

آرمیتا قصابی طراح، عکاس و هنرمند ساکن تورنتو و متولد تهران است. او فارغ‌التحصیل رشته معماری و طراحی در دانشگاه رایرسون و مطالعات معماری در دانشکده علوم و هنر و به صورت مشترک با مدرسه طراحی هاروارد در کمبریج در ماساچوست است.

در طی سالهای گذشته او در تعداد زیادی از نشریات طراحی بین المللی و اژانس های خلاق از جمله والپیپر، آرکیتکچر دایجست، هارپرز بازار، ویرجو وورلد واید و متییر کریتیو کار کرده است. او یک عکاس گتی و مشارکت کننده آیم است. کار او در پلتفرم‌های مختلف از جمله گلوب اند میل، سلف و گلامور منتشر شده است.

بازگشت به آینده ۱۳۹۷

آئینه، سیستم صدا، رنگ اکریلیک، ام‌دی‌اف، واینال، قطعات الکترونیکی

در دنیای ما چیزهای زیادی وجود دارد که حتی هنوز کنجکاوای در مورد آنها را آغاز نکردیم و بالاتر از همه اینکه، تو با چشم‌های برق‌زده از شگفتی تمام جهان اطرافت را تماشا و رصد می‌کنی، چراکه بزرگ‌ترین اسرار همیشه در مکان‌های نامتعارف پنهان است. کسانی که به جادو اعتقاد ندارند هرگز آن چیز را پیدا نخواهند کرد.

Back to the Future 2018

Mirror, acrylic paint, MDF, vinyl, electronics, sound system, LED

There are a whole lot of things in this world of ours you haven't even started wondering about yet. And above all, you watch with glittering eyes the whole world around you because the greatest secrets are always hidden in the most unlikely places. Those who don't believe in magic will never find it.

BAVAN باوان

bavangallery.com

